



تحریف قرآن از نظر علمای سنی

کلیدواژه: [تحریف قرآن](#)، اهل سنت، علمای شیعه.

پرسش: آیا منابعی از [اهل سنت](#) وجود دارد که به تحریف در آیات [قرآن](#) اشاره‌ای کرده باشد؟

پاسخ: در تعداد زیادی از کتاب‌های برداران اهل سنت؛ از جمله در صحاح سته که از معتبرترین کتاب‌های آنان به شمار می‌آید، روایات بسیاری وجود دارد که نشانگر مفقود شدن تعدادی از آیات قرآن کریم؛ از جمله آیه رجم ([سینگیار](#)) و یا تغییراتی در [قرائت](#) آنهاست که [قاریان](#) معروف نیز در تلاوت‌های خود، آنها را مورد توجه قرار می‌دهند؛ اما حتی با فرض پذیرش چنین روایاتی هم آنان و هم ما شیعیان، [عمل](#) به قرآنی که با همین قرائت معمول اکنون در دسترس تمام [مسلمانان](#) است را راه‌گشا و هدایت‌کننده می‌دانیم و مواردی که عنوان می‌شود در آنها تغییر یا حذفی انجام شده را در [تعارض](#) با آنچه اکنون وجود دارد، ندانسته؛ بلکه آن موارد نیز یا اختلاف تعبیری از آنچه هست بوده و یا مشابه آن در جای دیگری از قرآن و سنت نبوی وجود دارد.

فهرست مندرجات

- ۱ - نادیده گرفتن اصل وحدت
- ۲ - ایجاد شبهه
- ۲ - پاسخ به شبهه
- ۲.۱ - پاسخ حلی
- ۲.۲ - پاسخ نقضی
- ۴ - تحریف قرآن در روایات اهل سنت
- ۴.۱ - روایت اول
- ۴.۲ - روایت دوم
- ۴.۳ - روایت سوم
- ۴.۴ - روایت چهارم
- ۴.۵ - روایت پنجم
- ۴.۵.۱ - توضیح
- ۵ - نسخ تلاوت یا نسخ حکم
- ۶ - نتیجه بحث
- ۷ - استناد به روایات دیگر
- ۷.۱ - روایتی از امام صادق
- ۷.۲ - روایتی از ابن مسعود
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

نادیده گرفتن اصل وحدت

ابتدا باید بیان نمود که وجود چنین روایاتی در کتاب‌های اهل سنت را نمی‌توان دلیل آن دانست که آنان به این کتاب [مقدیس](#) بی‌اعتقاد هستند؛ اما روایاتی که در این زمینه، چه در کتب اهل سنت و چه در کتاب‌های [شیعیان](#) وجود دارد، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود که گروهی از آنها تبیین است و نه تحریف و... که باید در جای خود بحث شود. اکنون تنها به این دلیل به بررسی پرسش‌تان می‌پردازیم که متأسفانه برخی برداران اهل سنت با نادیده گرفتن اصل [وحدت](#) اسلامی چنان [تبلیغ](#) می‌نمایند که گویا شیعیان، معتقد به قرآنی دیگر بوده و تنها اهل سنت‌اند که از [قرآن](#) دفاع نموده و آن را محترم می‌شمارند و این موضوع را خواسته یا ناخواسته، زمینه‌ای برای پراکندن بذر اختلاف در [جامعه اسلامی](#) و متزلزل نمودن باورهایشان می‌نمایند!

ایجاد شبهه

شبهه‌ای که به شدت از جانب این‌گونه افراد تبلیغ می‌شود، آن است که شیعیان، عقیده به [تحریف](#) و تغییر برخی آیات قرآن داشته و در این ارتباط نیز به چند روایت موجود در برخی کتاب‌های شیعه استناد می‌نمایند.

پاسخ به شبهه

باید بدانیم که این شبهه دو پاسخ حلی و نقضی دارد: (در مورد ما، پاسخ حلی، یعنی پاسخ اصلی و بدون در نظر داشتن عقیده طرف مقابل و پاسخ نقضی؛ یعنی این که به طرف مقابل بگوییم که خودتان نیز دارای همان اشکالی هستید که بر ما وارد می‌سازید.)

← پاسخ حلی

پاسخ حلی شبهه، آن است که عقیده دانشمندان شیعه را در ارتباط با **تحریف** قرآن بدانیم که چنین پاسخی، ظاهراً موضوع پرسشستان نبوده و البته در جای خود به آن پرداخته شده است که نظر غالب دانشمندان **شیعه** در عدم پذیرش چنین روایاتی و تأکید بر عدم **تحریف قرآن** است.

اکثر **تفاسیر** شیعه، در مورد عدم تحریف قرآن، باب‌های مستقلی را تدوین نموده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توانید به این تفاسیر مراجعه فرمایید:

[۱] علامه طباطبائی، مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۰۴.

[۲] آیت الله خویی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۹۵.

[۳] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۸.

← پاسخ نقضی

پاسخ نقضی به این شبهه، همان چیزی است که شما در جست‌وجوی آن هستید و آن این‌که اگر بپذیریم که در کتاب‌های **شیعه**، چنین روایاتی وجود دارد، آیا کتاب‌های اهل سنت، خالی از هرگونه روایتی در این مورد بوده و در نتیجه، در مورد عقیده به تحریف، هیچ اشکالی را نمی‌توان به آنان وارد نمود؟

پاسخ ما این است که خویش‌داری **دانشمندان** شیعه از متهم نمودن سایر **مذاهب** در اعتقاد به تحریف، دلیل آن نیست که نتوان هیچ مستندی را در این زمینه، از کتاب‌هایشان به دست آورد. ما در این زمینه، پنج روایت از صحیح بخاری که معتبرترین کتاب روایی **اهل سنت** بوده و آنان از این کتاب، با عنوان "خواهر قرآن" یاد می‌نمایند، برایتان نقل نموده و توصیه می‌نماییم که در این مورد، بیش از این به بحث و گفت‌وگو با آنان نپردازید، چون ثمره‌ای جز اختلاف در پی نداشته و اگر طرف مقابل، منصف باشد، با یکی از **روایات** ذیل نیز باید قانع شده و بیهوده به تلاش، جهت ایراد اتهام تحریف به شیعیان و پاک‌دامن نشان دادن خود از چنین اتهامی، ادامه ندهد. اکنون در این روایات دقت فرمایید:

تحریف قرآن در روایات اهل سنت

اکنون به چند روایت از اهل سنت توجه کنید:

← روایت اول

خلیفه دوم بیان می‌دارد که اگر **تیس** از مردم نبود که بگویند عمر در قرآن دخل و تصرف نموده و چیزی به آن افزود، حتماً با دستان خود، آیه سنگسار را در قرآن می‌نگاشتم.

[۴] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۸، دارالفکر، بیروت.

← روایت دوم

در جایی دیگر آمده است، **خلیفه دوم** بر منبر رفته و بعد از ذکر مطالبی چنین می‌گوید: و خداوند **قرآن** را بر رسولش نازل نمود و از جمله آیات آن، آیه سنگسار بود و ما این آیه را قرائت می‌نمودیم و در مفهوم آن دقت نموده و به‌خاطر می‌سپردیم و براساس همین آیه بود که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - زانیان را **سنگسار** می‌نمود و ما نیز بعد از او به همین شیوه **عمل** می‌نمودیم! من می‌ترسم که مدت زمانی بگذرد و اشخاصی بگویند که چنین آیه‌ای در قرآن وجود نداشته است و بدین وسیله از اجرای حکمی که توسط خداوند نازل شده، باز بمانند... خلیفه دوم در ادامه، گفت (علاوه بر **آیه رجم**) از جمله آیاتی که ما در زمان **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌خواندیم و اکنون **قرائت** نمی‌شود، این آیه بود: "ان لا ترغبوا عن آياتكم فانه كفر بكم ان ترغبوا عن آياتكم".

[۵] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۸، دارالفکر، بیروت.

جالب است که در برخی کتاب‌های اهل سنت، دلیل در دسترس نبودن آیه سنگسار را چنین بیان نموده‌اند که این آیه که از جمله آیات **سوره اجزاب** بود، در کاغذی نگاشته شده و در خانه عایشه همسر پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - قرار داشت و گوسفند جناب **عایشه** (چون غذایی دیگر پیدا نکرده بود)، آن را خورد!

[۶] ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

[۷] ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه ق.

← روایت سوم

در جایی دیگر، بیان می‌شود که آیه‌ای در ارتباط با شهدای واقعه "بئر معونه" نازل شد و ما آن را قرائت می‌نمودیم که "ان بلغوا قومنا ان قد لقینا ربنا فرضی عنا و ارضانا!؛ یعنی به قوم ما **ایلاغ** نمایید که ما به ملاقات پروردگار خود نائل شده؛ درحالی‌که از ما راضی بوده و ما را نیز از خود راضی نمود. بعد از مدتی، این آیه **نسخ** شد.

[۸] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸، دارالفکر، بیروت.
[۹] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۰۵-۱۰۶، دارالفکر، بیروت.

← روایت چهارم

از **عمر بن خطاب** شنیدم که می‌گفت: روزی هشام بن حکیم بن حزام را دیدم که **سوره فرقان** را به گونه‌ای غیر از آنچه من می‌خوانده‌ام، تلاوت می‌نماید، با این که من این سوره را نزد پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آموخته بودم. بر این اساس بسیار عصبانی شده و نزدیک بود بلایی به سرش بیاورم سپس کمی به او مهلت دادم تا به راه افتد. در این هنگام، او را در لباسش پیچیده و با همین حال نزد **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بردم و به ایشان عرض نمودم که او این **سوره** را برخلاف آنچه شما به من یاد داده‌ای، می‌خواند، پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - خطاب به من فرمودند: رهاش کن. سپس به او فرمودند: سوره را قرائت نما. او نیز قرائت نمود. **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمودند: همین‌گونه نازل شده است. سپس به من فرمودند: حالا تو قرائت کن. من نیز قرائت نمودم. پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به من نیز فرمودند: همین‌گونه نازل شده است. همانا قرآن به هفت شیوه، نازل شده و شما تا می‌توانید از آن بخوانید.

[۱۰] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۸۴، دارالفکر، بیروت.

← روایت پنجم

صحیح بخاری از **ابن عباس** نقل نموده که گفت: من از پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - شنیدم که این متن را تلاوت می‌نمود: "لو ان لابن آدم مثل واد مائلاً لاحت ان له الیه مثله و لا یملا عین ابن آدم الا التراب و یتوب الله علی من تاب"؛ اگر انسانی به مقدار یک وادی مال داشته باشد، دوازده دارد که باز هم مالش دو برابر شود و تنها **حاک** است که می‌تواند **حیض** بنی‌آدم را فرو نشاند و خداوند **توبه** تائبان را خواهد پذیرفت. **ابن عباس** می‌گوید: نمی‌دانم این متن قرائت شده، جزئی از قرآن بوده یا نه؟

[۱۱] بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۹۲-۹۳، دارالفکر، بیروت.

← توضیح

پنج روایت فوق را از معتبرترین کتاب اهل سنت انتخاب نمودیم؛ وگرنه در دیگر کتاب‌هایشان، صدها مورد دیگر از این قبیل را نیز می‌توان یافت، (به‌عنوان نمونه، مرحوم آیت‌الله خوبی در صفحه ۲۰۲ تا ۲۰۵ تفسیر البیان خویش، بعد از بیان عقاید دانشمندان شیعه در مورد تحریف، دوازده مورد از روایاتی را که ناظر به تحریف در کتب اهل سنت می‌باشند، ذکر نموده است.) و با دقت در تلاوت **قاریان** معتبر و محترم اهل سنت نیز در خواهید یافت که در مواردی که کم یا زیاد نمودن قرآن نبوده و تنها تغییر یک کلمه است، آنان تلاوت‌های مختلفی را اجرا می‌نمایند و به‌عنوان نمونه در آیه ۵۸ **سوره عنکبوت**،

[۱۲] **عنکبوت (۲۹)، آیه ۵۸.**

بسیاری از قاریان اهل سنت، به جای کلمه "لنبوئنهم"، عبارت "لنثوئنهم" را **تلاوت** می‌نمایند.

نسخ تلاوت یا نسخ حکم

برخی دانشمندان اهل سنت که متوجه این نکته شده‌اند که این روایات، دقیقاً ناظر به **تحریف** است، تلاش نموده‌اند تا نام تحریف را از آن برداشته و نام‌هایی چون "نسخ تلاوت" و یا "نسخ حکم" را در این موارد استفاده نمایند؛ اما پرسش ما این است که به‌عنوان نمونه، چه دلیلی دارد که تلاوت مورد سوم از روایات فوق، نسخ شود، با این که حکم آن نسخ نشده و مشابه مفاد آن در آیه: "ارجعی الی ربک راضیه مرضیه" [۱۳] **فجر (۸۹)، آیه ۲۸.**

وجود دارد؟ و آیا برای حذف آن، جز تحریف، نام دیگری را می‌توان در نظر گرفت؟ و یا این که عقیده خلیفه دوم در بفای حکم رجم و تلاوت آن و تصمیم او در نگارش مجدد این آیه در زمان خلافتش و سپس انصراف از آن، آن هم تنها به دلیل **تیس** از مردم نمی‌توان دلیلی بر اعتقاد ایشان در تحریف قرآن دانست؟! آیا آنچه در کتب **شیعه** یافته‌اند و غیر منصفانه بر این مکتب می‌تازند، چیزی غیر از مواردی مشابه با این **روایات** است؟! چگونه می‌توان این تناقض را توجیه نمود؟

نتیجه بحث

در پایان، نتیجه می‌گیریم که روایاتی هم در کتب **اهل سنت** و هم در کتاب‌های شیعه در ارتباط با تحریف وجود دارد؛ اما با این وجود، در میان هر دو مکتب مسلم است که عمل به همین قرآنی که در میان مسلمانان متداول بوده و در خانه هر **مسلمان**، چه **شیعه** و چه سنی به‌صورت کاملاً مشابه وجود دارد، بهترین راهنما برای رسیدن به **هدایت** و **سعادت** بوده و باید آن را عاملی برای **وحدت** مسلمانان بدانیم، نه موضوعی برای **تفرقه** و جدایی بین آنان! و بحث‌های مرتبط را تنها به صورت علمی مطرح نماییم و نه سیاسی و مذهبی.

استناد به روایات دیگر

در این زمینه به دو روایت، یکی از کتب شیعه و دیگری از کتب اهل سنت توجه فرمایید که هر دو ناظر به یک مطلب‌اند:

← روایتی از امام صادق

سفیان بن سمط از [امام صادق](#) (علیه السلام) نقل می‌نمایند که از ایشان در ارتباط با اختلافاتی که در قرائات قرآن وجود دارد، سؤال نمودم. ایشان فرمودند که (همانند سایر مردم) و همان‌گونه که به شما آموخته‌اند، قرآن را تلاوت نمایید. [\[۱۴\] کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۶۳۱، ح ۱۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش.](#)

← روایتی از ابن مسعود

ابن مسعود که خود یکی از صحابه [پیامبر اکرم](#) (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، می‌گوید که من قرآن را از قاریان مختلف شنیدم و تمام آنها را (با وجود اختلافاتی که دارند)، نزدیک به هم و به یک معنا ارزیابی نموده‌ام، بنابراین از اختلاف و درگیری در این مورد پرهیز نمایید. همانا برخی اختلافاتی که در نقل [الفاظ قرآن](#) وجود دارد، همانند آن است که یکی از شما الفاظ مختلفی، چون "لم" و "تعال" و "اقبل" را برای یک مفهوم واحد بکار ببرد. [\[۱۵\] بیهقی، ابوبکر، سنن کبری، ج ۲، ص ۵۲۷ ۵۲۸، دارالفکر، بیروت.](#)

مشابه این موضوع را در زبان فارسی هم داریم که برای [دعوت](#) نمودن یک شخص از الفاظی همانند "تشریف بیاورید"، "بفرمایید"، "خدمتان باشیم" و ده‌ها لفظ شبیه به آن استفاده می‌شود، اما یقین داریم که تمامشان یک معنا و مفهوم را می‌رسانند. بر همین اساس، باید بگوییم که آیات قرآن کریم به نظر بیشتر دانشمندان کم و زیاد نشده؛ اما اگر احیاناً، اشخاصی از فریقین، معتقد به تغییرات اندکی باشند، این اعتقاد آنان، به کلیت [قرآن](#) و صحت آنچه در دست‌ان ماست، آسیبی نخواهد رسانید.

پانویس

۱. [↑ علامه طباطبائی، مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۰۴.](#)
۲. [↑ آیت الله خویی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۹۵.](#)
۳. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۸.](#)
۴. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۸، دارالفکر، بیروت.](#)
۵. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۸، دارالفکر، بیروت.](#)
۶. [↑ ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱، مؤسسه اسماعیلیان، قم.](#)
۷. [↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه. ق.](#)
۸. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸، دارالفکر، بیروت.](#)
۹. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۰۵ ۱۰۶، دارالفکر، بیروت.](#)
۱۰. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۸۴، دارالفکر، بیروت.](#)
۱۱. [↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۹۲ ۹۳، دارالفکر، بیروت.](#)
۱۲. [↑ عنکبوت \(۲۹\)، آیه ۵۸.](#)
۱۳. [↑ فجر \(۸۹\)، آیه ۲۸.](#)
۱۴. [↑ کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۶۳۱، ح ۱۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش.](#)
۱۵. [↑ بیهقی، ابوبکر، سنن کبری، ج ۲، ص ۵۲۷ ۵۲۸، دارالفکر، بیروت.](#)

منبع

[پایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «تحریر قرآن از نظر علمای سنی»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۱۱/۰۷.](#)

رده‌های این صفحه: [اعجاز قرآن](#) | [تحریر](#) | [قرآن شناسی](#)